

سنّ مسؤلیت کیفری اطفال از دیدگاه امام خمینی (س) و
قانون مجازات اسلامی
(مطالعه تطبیقی با قوانین کشورهای اسلامی)

مریم حسینی آهق^۱
زهره خانی^۲

چکیده: افزایش تدریجی مسؤلیت متناسب با میزان ادراک با شاخص قرار دادن سن، از رویکردهای پذیرفته شده جهانی برای تحقق عدالت و نشانه عدالت اجتماعی است. در بیشتر کشورهای اسلامی، حداقل سن کودکی یا سن عدم مسؤلیت و حداکثر سن کودکی یا دوره مسؤلیت ناقص کیفری اطفال مشخص شده است. رویکرد جاری، در کشورهای اسلامی دور نگه داشتن کودکان و نوجوانان از نظام قضایی تا جای ممکن است. توجه بیشتر قوانین در تعیین سن مسؤلیت کامل کیفری به بلوغ احساسی، فکری و ذهنی و به دور از هر نوع تبعیض جنسیتی است. البته بیشتر آنها در مورد ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین، مانند اعدام و حبس ابد برای افراد زیر هجده سال، تأکید کرده‌اند. با توجه به فتاوی امام خمینی و استناد ایشان به قاعده درء، می‌توان ادعا کرد که نظر ایشان همسو با این رویکرد است.

کلیدواژه‌ها: مسؤلیت کیفری، سن بلوغ، رشد عقلی، سن مجازات، قوانین جزایی کشورهای اسلامی، مسؤلیت تدریجی

۱. استادیار پژوهشکده علوم انسانی (بنیاد دایره المعارف اسلامی) و دانش آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
E-mail: Hosseini.ahagh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
E-mail: zohrehkhani606@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۴

مقدمه

مسئولیت کیفری به معنای قابلیت انتساب جرم به افراد و امکان تحمیل کیفر بر آنان است (نوربها ۱۳۸۲: ۲۱۰؛ بوشهری ۱۳۷۹: ۳۹). مسئولیت کیفری صفت و حالتی است که همواره همراه شخص است و ارتباطی با ارتکاب جرم ندارد. تحمیل این تبعات جز بر کسی که صلاحیت تحمیل را داشته باشد، میسر نیست. از آنجا که میزان مسئولیت و مجازات مجرم باید متناسب با درجه فهم و شعور او باشد، در طول تاریخ برای کودکان متناسب با ادراک آنان، مجازات کمتری اعمال شده است. مسئولیت جنایی کامل نیازمند ادراک کامل است. از این رو کسی که ادراک ناقص دارد، باید فاقد مسئولیت جنایی کامل باشد (زلمی ۱۹۸۳: ۷۱).

بزهکاری کودکان و نوجوانان از قدیم وجود داشته و تحقیقات حاکی از آغاز حیات مجرمانه از سنین کودکی است (علی ۱۴۰۵: ۵)، البته درگیری آنان در فعالیت‌های مجرمانه کم اهمیت بخشی از فرآیند رشد آنان است، چه به صورت بزه دیده، چه به شکل بزهکار و چه به هر دو صورت. با وجود تحولات ایجاد شده در نظام‌های کیفری اطفال و نوجوانان، کیفر همواره در آنها وجود داشته است و دولت‌ها همواره حق اعمال مجازات را برای خود محفوظ داشته‌اند (مهر ۱۳۸۶: ۷۹). با بررسی نظام‌های کیفری کشورهای مختلف اسلامی می‌توان دریافت که افزایش تدریجی مسئولیت کیفری در بسیاری از آنها پذیرفته شده است. این افزایش گاه به صورت مرحله‌ای در قانون پیش‌بینی شده و گاه برای قاضی این امکان فراهم شده است که در برابر جرم ارتكابی عملکرد مناسب اختیار کند. اطفال حتی پس از دستیابی به ادراک نتایج عمل مجرمانه (تمیز) نیز از مسئولیت کیفری کمتری نسبت به بزرگسالان برخوردارند. معمولاً قانونگذاران با در نظر گرفتن این امر که کودکان به خاطر تجربه اندک و آسیب پذیر بودن به راحتی اغوا می‌شوند یا تحت تأثیر قرار می‌گیرند و توان مخالفت و سرپیچی از بزرگسالان را ندارند (ربیع و دیگران ۱۹۹۵: ۲۱۶-۲۲۹)، در وضع قوانین کیفری جنبه تربیتی و تدابیر اصلاحی و تخفیف در مجازات را مد نظر قرار می‌دهند. با توجه به اهمیت خاص بزهکاری اطفال، برخی کشورها به تدوین قانون کودک یا تخصیص بخش خاصی از قانون مجازات به آنها و نیز تشکیل دادگاه‌های خاص بزهکاران کودک همت گمارده‌اند (فوده ۱۹۹۷: ۱۸، ۲۱).

در یک سیستم عادلانه، مجازات و مسئولیت همواره متناسب با ادراک تعیین می‌شود. ظهور ادراک و اراده آگاه در فرد تدریجی است، از این رو صلاحیت شخص برای عهده‌دار شدن

مسئولیت به تدریج کامل می‌شود و دارای مراتب شدت و ضعف و وابسته به مقدار ادراک فرد از عمل مجرمانه است (زلمی ۱۹۸۳ ج ۱: ۷۱؛ شوریجی ۱۴۰۵: ۳۱۹-۳۲۰؛ ابوعامر ۱۹۸۱: ۱۵۱). رشد قوای عقلی در افراد یکسان نیست (ابوعامر ۱۹۸۱: ۱۹۴-۱۹۲)، اما امکان معاینه پزشکی تک تک افراد برای صدور حکم به رشد کامل عقلی در هیچ کشوری وجود ندارد. بنابراین قانونگذاران با بررسی علمی و با توسل به قراین و نشانه‌ها، سن خاصی را اماره رشد معرفی کرده‌اند. از این رو، حقوق کیفری صغار یا سیستم عدالت اطفال^۱ با شاخص سن شکل گرفت. این شاخص در همه کشورهای یکسان نیست (مهرا ۱۳۸۶: ۸۷-۸۶). گستره وسیع سن مسئولیت در جهان، حتی در منطقه‌ای که همگنی نسبی فرهنگی در آن به وجود آمده است، گستردگی نگرش‌ها و رویه‌ها را نسبت به کودکان منعکس می‌کند. البته به طور معمول، توجیه اخلاقی و در نتیجه قانونی مسئولیت کیفری اطفال شش تا ده سال در قبال خطاهای ارتكابی مشکل است. سنی که یک دولت برای مسئولیت اطفال در برابر جرم تعیین می‌کند، انعکاس دهنده نگرش آن دولت نسبت به کودکی و جرم است (گیلیان ۱۳۸۳: ۱۸۹، ۲۱۶). سرعت گذر از هر مرحله از رشد به مرحله دیگر تابع شرایط اجتماعی و تربیتی حاکم بر هر کشور است (سیلامی ۱۳۸۰ ج ۶: ۲۶۱۸). معمولاً در کشورهای مختلف جهان، تعیین عادلانه حداقل سن مسئولیت کیفری با توجه به درک و رشد عقلی کودکان و نیز طبقه بندی کودکان در فاصله حداقل و حداکثر سن مسئولیت کیفری مد نظر قرار دارد. با وجود این، شیوه‌های تنبیه و حمایت هنوز هم در بسیاری از کشورها شکل تخصصی به خود نگرفته است (وینتر ۱۳۷۹: ۱۵۸). کودک بزهکار ممکن است به همان کانون اطفالی فرستاده شود که کودک ناسازگار در آن نگهداری می‌شود یا کودک نیازمند مراقبت و حمایت به خاطر مقررات خشک، از حمایت برخوردار نشود. بدنام شدن کودک به علت گرفتار آمدن در سیستم عدالت کیفری و نیز عملکرد نادرست این سیستم و برخورد تبعیض آمیز نژادی، طبقاتی و جنسیتی هنوز وجود دارد (گیلیان ۱۳۸۳: ۲۰۲، ۲۰۸).

در بیشتر موارد هیجانانگیز و بحران بلوغ در ارتكاب جرایم نوجوانان تأثیرگذار است. از این روست که روانشناسان از بلوغ به عنوان دوره بحران یاد می‌کنند. دوره بلوغ بهترین زمان برای اجرای اقدامات اصلاحی و تربیتی است و انطباق سن مسئولیت کامل کیفری با سن بلوغ در حقیقت نادیده گرفتن واقعیت‌های اجتماعی و نظریات روانپزشکی است (عباچی ۱۳۸۸: ۷۱). اهلیت روانی نوجوانان در طول مراحل دادرسی (از بازجویی پلیس تا محاکمه) از اهمیت فراوانی برخوردار است. درباره

۱. Juvenile Justice system

اینکه چند نفر از آنان مفاهیم مجرد قانونی و حقوق قانونی خود را درک می‌کنند، تردید وجود دارد. معمولاً آنها از کمک و همکاری با وکیل عاجزند و به اثرات تصمیماتی که وکیلشان می‌گیرد، بی‌اعتنا هستند. به طور کلی توانایی اندیشه مبتنی بر فرضیه فقط در اوایل نوجوانی رشد می‌کند و رشد آن چندین سال به طول می‌انجامد. اغلب تصمیمات نوجوانان بر اساس ارزش‌های نوجوانی شکل می‌گیرد. با بررسی‌های انجام شده از سوی روانشناسان، نوجوانان زیر چهارده سال را نباید برای هر جرمی در دادگاه بزرگسالان محاکمه کرد و آنها به شیوه دادرسی و محاکمه خاصی نیازمند هستند. بین چهارده تا شانزده سال هم اهلیت و صلاحیت نوجوان نیاز به بررسی دارد (کسل و برشتین ۱۳۸۳: ۷۱-۷۲). بنا بر نظر برخی از روانشناسان، نوجوانان قرن حاضر به دلیل عدم استقلال، عدم پذیرش مسئولیت و عدم تعهد کاری، نسبت به همسالان خود در گذشته منزوی‌تر بوده و کمتر می‌توانند کردار درست را از نادرست تشخیص دهند (صلاحی ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۷؛ هاشمی ۱۳۸۳: ۲۴۷).

مسئولیت کیفری در کشورهای اسلامی

۱-۱) حداقل سن مسئولیت کیفری

حداقل سن مسئولیت قانونی در قوانین همه کشورهای یکسان نیست. در بیشتر کشورها، حداقل سن کودکانی یا سن عدم مسئولیت و دوره مسئولیت ناقص کیفری اطفال مشخص شده است (رباح ۱۹۸۷: ۹-۱۰). هر چند برخی از حقوقدانان و قانونگذاران با مشخص کردن حداقل سن مسئولیت کیفری مخالفت کرده‌اند. به نظر آنان، دادگاه باید بتواند بدون در نظر گرفتن سن کودک، هر زمان که مصلحت بداند در مسائل مربوط به کودک دخالت کند (علی ۱۴۰۵: ۱۱). افزایش حداقل سن در برخی از کشورها به طور تعجب‌آوری با مشکل مواجه بوده است. یکی از دلایل آن ممکن است به دوگانگی رفتارهای جامعه نسبت به کودکان مرتبط باشد که در جنبه‌های مختلف قانون، به‌ویژه در حوزه عدالت کیفری دیده می‌شود (گیلیان ۱۳۸۳: ۱۹۰-۱۸۹). اطفال کمتر از سن مقرر در این قوانین، معمولاً در صورت ارتکاب جرم غیرمسئول و بدون مجازاتند. اما این امر در تمام قوانین صدق نمی‌کند و تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری همواره به معنای مصونیت قضایی پیش از آن سن نیست. مثلاً در فرانسه حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۳ سال است، اما کودکان ۱۰ ساله هم ممکن است ناگزیر به حضور در برابر قاضی باشند. همچنانکه تعیین حداقل سن نمی‌تواند مجوز

حضور طفل در دادگاه باشد. مثلاً در اسکاتلند که سن مسئولیت کیفری ۸ سالگی است، سیستم حضور اطفال در محاکم به گونه‌ای طراحی شده که از تماس نوجوان تا ۱۶ سالگی مگر در جرایم بسیار سنگین با محاکم رسمی خودداری شود. اما در رومانی که حداقل سن ۱۴ سالگی است، با کودکان از این سن مانند بزرگسالان رفتار می‌شود و ممکن است به دوره‌های طولانی حبس محکوم شوند. بنابراین تعیین سن به تنهایی بیانگر نحوه برخورد با کودک نیست. درگواتمالا ۱۸ سالگی سن مسئولیت کیفری است، اما کودک پیش از رسیدن به این سن ممکن است به اقامت بلند مدت در مؤسسات اجتماعی و آموزشی محکوم شود (یونیسف ۱۹۹۷: ۹). در بیشتر کشورهای اسلامی (برای نمونه: ماده ۲ حقوق کودکان عراق (مصوب ۱۹۷۲)، شماره ۶۴؛ ماده ۱۸ قانون مجازات کویت؛ ماده ۱ قانون کودکان بزهکار سوریه (مصوب ۳۰ مارس ۱۹۷۴)، شماره ۱۸؛ ماده ۳۰ قانون مجازات یمن؛ ماده ۲ حقوق کودکان اردن) حداقل سن مسئولیت کیفری ۷ سالگی است. پیش از آن هر گونه مجازات و اقامه دعوی، چه در جرایم عمدی و چه غیر عمدی، مطلقاً ممنوع است (مرصفاوی ۱۹۷۲: ۱۸۸). در برخی از کشورها، مانند عمان، بحرین و سودان، آغاز مسئولیت ناقص کیفری پایان ۹ سالگی است (مرصفاوی ۱۹۷۲: ۱۸۸؛ هادی بابکر بی تا: ۱۱).

۲-۱) سن مسئولیت کامل کیفری

با بررسی نظام کیفری کشورهای مختلف می‌توان دریافت که تدریجی بودن مسئولیت کیفری یا به صورت مرحله‌ای و اجرای مجازات خاص در هر مرحله شکل می‌گیرد یا با دادن اختیار به قاضی برای انتخاب مجازات مناسب در برابر جرم ارتكابی صورت می‌پذیرد. منابع حقوقی کشورهای عربی به کودکان در محدوده حداقل و حداکثر مسئولیت، یا به تعبیر دیگر به کودکان از زمان رسیدن به سن تمیز تا رسیدن به سن رشد، «حدث» اطلاق کرده‌اند (ربیع و دیگران ۱۹۹۵: ۲۰۵). قوانین بیشتر کشورهای اسلامی با اندک تفاوتی مرز قانونی بزرگسالی (به معنای رسیدن به رشد شناختی و عاطفی و دستیابی به شخصیت پایدار) را بین ۱۸ تا ۲۱ سالگی تعیین کرده‌اند (ناعمی ۱۳۸۷: ۷۱؛ عمادالدین اسماعیل ۱۴۰۹ ج ۲: ۱۵۷). مبنا قرار گرفتن ۱۸ سالگی در قوانین این کشورها تا حدودی با نظر برخی فقهای حنفی و مالکی درباره سن بلوغ هماهنگ است. ابوحنیفه سن بلوغ را در دختران هفده و در پسران هفده یا هجده سال دانسته، اما بیشتر حنفیان سن بلوغ دختران و پسران را پانزده سالگی دانسته‌اند (برای نمونه: ابن قدامه بی تا ج ۴: ۵۱۴؛ خطاب رعینی ۱۴۱۶ ج ۵: ۵۶؛ سرخسی ۱۴۰۶ ج ۲: ۱۶۱؛

در دیربی تا ج ۳: ۲۹۵). در برخی کشورهای دیگر (برای نمونه: ماده ۶۷ قانون مجازات سودان، ماده ۴۱ قانون مجازات قطر)، قانونگذار در شرایط خاص به محاکم اجازه داده است تا بخشی از تدابیر حمایتی دوره کودکی را تا ۲۰ یا حتی ۲۵ سالگی، یعنی در دوره‌ای که شخص کودک به حساب نمی‌آید، همچنان ادامه دهد. وجود حد فاصل میان بلوغ و مسئولیت کامل کیفری از مسائلی است که در تعیین مسئولیت کامل کیفری در قوانین برخی کشورها مد نظر قرار گرفته است.

قانون مجازات مصر، سن پایان کودکی را ۱۸ سالگی قرار داده است، اما امکان رسیدگی و اتخاذ یکی از تدابیر تربیتی و توجه به وضعیت کودکان را حتی پیش از ۷ سالگی (سن عدم تمیز) از دادگاه سلب نکرده است. براساس ماده ۷۲ قانون مجازات مصر، اعدام و مجازات با اعمال شاقه کودکان در فاصله ۱۵ تا ۱۸ سالگی جایز نیست و در این مقطع سنی مسئولیت کامل نیست. علت تحمیل مسئولیت جزایی این است که طفل از قوای ادراکی و اختیار برخوردار است، هرچند که رشد آن کامل نیست. این رویه در قانون مجازات مغرب و بحرین با اعلام سن ۱۶ سالگی برای اتمام دوره کودکی نیز مشاهده می‌شود (فوده ۱۹۹۷: ۱۱۸-۱۱۶، ۱۷۸، ۳۰۶-۳۰۷؛ رباح ۱۹۸۷: ۲۱-۲۲؛ شرادی ۲۰۰۲: ۱۴۶). قانون مجازات کشور مغرب در فصل ۱۳۹ از قانون مجازات و کشور تونس در ماده ۴۳ مجله جنایی تصریح کرده‌اند که صغیر در محدوده ۱۲ تا ۱۶ سالگی از آن رو که از درک و تمیز کاملی برخوردار نیست، دارای مسئولیت ناقص کیفری است. مفهوم این سخن عهده‌دار شدن مسئولیت کامل جنایی با اتمام ۱۶ سالگی است. در ماده یک حقوق کودکان بحرین، پایان سن ۱۵ سالگی به معنای پایان دوره کودکی، شروع دوره بزرگسالی و بر عهده گرفتن مسئولیت کامل جزایی است. برخی از قانونگذاران از جمله در قطر، سودان و هند با تصریح به عدم مسئولیت کیفری تا ۷ سالگی، کودک را از سن ۷ تا ۱۳ سالگی به شرط اثبات عدم تمیز و نداشتن درک درست از ماهیت و پیامدهای جزایی کار مجرمانه‌ای که به وقوع پیوسته، مبری از مسئولیت کیفری شناخته‌اند. این گونه تفاوت گذاری در مسئولیت کیفری با توجه به سن رشد عقلی کودکان تا ۱۴ سالگی در سودان نیز مشاهده می‌شود (فوده ۱۹۹۷: ۷۰؛ شرادی ۲۰۰۲: ۱۴۶). قانون مجازات اردن در شیوه‌ای مشابه همه کودکان زیر ۱۲ سال را فاقد مسئولیت کیفری دانسته است، مگر آنکه عمل مجرمانه را با آگاهی کامل به جرم بودن و ممنوعیت آن انجام داده باشد (شرادی ۲۰۰۲: ۱۴۷-۱۴۶؛ علی ۱۴۰۵: ۲۰۷). در قانون مجازات لبنان، از سن ۷ تا ۱۵ سالگی از تدابیر حمایتی و تأدیبی استفاده می‌شود، مانند تسلیم به اولیاء یا یکی از بستگان با گرفتن ضمانت اخلاقی از آنان یا نگهداری و

مراقبت در مراکز اصلاحی یا تأدیبی. از ۱۵ تا ۱۸ سالگی (سن مسئولیت کامل جزایی)، با توجه به اینکه غالباً جرایم با آگاهی و ادراک غیر قانونی بودن و نتایج آنها انجام می‌شود، مجازات‌های اصلاحی، مانند حبس، در نظر گرفته شده است (ریاح ۱۹۸۷: ۵۴؛ یوسف صادر ۱۹۵۴: ۲۳-۲۵؛ علی ۱۴۰۵: ۲۱۰-۲۰۹). در عربستان سعودی، کودک ۱۰ تا ۱۵ ساله در برابر جرایم خود مسئولیت داشته و نظام اصلاح و تربیتی برای کودک در نظر گرفته شده است که البته آسیبی را برای کودک به همراه ندارد. کودک به دلیل جرمی که مرتکب شده در حضور قیّم قانونی خود با رفتاری مناسب مورد بازجویی قرار می‌گیرد و قیّم مسئول جبران خطای کودک است. اگر تنبیهی مورد نیاز باشد به شکل راهنمایی و اقامت در یک مرکز مراقبت‌های اجتماعی است. در قطر نیز طبق قانون مجازات کیفری، سن مجازات کودکان بدین گونه شرح داده شده است: اگر شخص مجرم، بزرگ‌تر از ۷ سال و کوچک‌تر از ۱۸ سال باشد، تنها در صورتی بار مسئولیت کیفری بر دوش او قرار خواهد گرفت که درباره ماهیت و عواقب عمل خود بالغ درک کافی داشته باشد. در پاکستان فرد بزرگسال کسی است که به سن ۱۸ سال رسیده باشد و کودک میان ۷ تا ۱۸ سال نیز چنانچه بلوغ او برای درک ماهیت عملی که مرتکب شده کافی به نظر برسد، مشمول قانون مسئولیت کیفری خواهد بود. در لیبی کودکان در فاصله ۷ تا ۱۴ سال مسئولیت جنایی ندارند، اما قاضی این اختیار را دارد که در مورد آنان تدابیر پیشگیرانه به عمل آورد. در بحرین کودکان در فاصله ۹ تا ۱۴ سال و در سودان در فاصله ۷ تا ۱۸ سال تنها در صورتی از مسئولیت کیفری مبرا هستند که اثبات گردد در زمان ارتکاب جرم درکی از مجرمانه بودن عمل و پیامدهای آن نداشته‌اند (مرصفاوی ۱۹۷۲: ۱۸۷).

۲) سن مسئولیت کیفری در ایران

فصل دهم از قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان اختصاص یافته است. بر اساس ماده ۸۸ این قانون درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: ۱) تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از سرپرست کودک تعهد بگیرد که کارهایی را به نفع تربیت و اصلاح کودک انجام دهد، مثل معرفی او به مددکار اجتماعی یا روانشناس و

دیگر متخصصان، فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص خاص یا محل‌های معین به تشخیص دادگاه؛ ۲) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده ۱۷۳ قانون مدنی در صورت قبول آنان؛ ۳) نصیحت، اخطار، تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم به وسیله قاضی دادگاه؛ ۴) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج.

بر اساس همین ماده، ارتکاب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص، در نابالغ بین دوازده تا پانزده سال قمری یا نابالغ زیر دوازده سال یکسان نیست. علاوه بر اینکه دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹ این قانون به جرایم تعزیری نوجوانان بین پانزده تا هجده سال تمام ششمی اختصاص یافته است. مجازات‌های ذکر شده در این قانون عبارتند از: نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است؛ نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است؛ نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون تا چهل میلیون ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است؛ پرداخت جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است؛ پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است. رویکرد قانونگذار ایران مجازات بر مبنای سن و شدت جرم ارتكابی با هدف تربیت و تأدیب نوجوان است. همچنین در ماده ۹۰ به دادگاه این اختیار داده شده است که بتواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود

تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. با وجود آنکه رأی دادگاه قطعی است، استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها ممنوعیت ندارد.

در بخش چهارم قانون مجازات اسلامی که به شرایط و موانع مسئولیت کیفری اختصاص یافته است، در ماده ۱۴۶ تصریح شده است که افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. در ماده ۱۴۷، سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری آمده است. یعنی قانونگذار در حالی که در جرایم تعزیری سن مسئولیت کیفری را ۱۸ سال شمسی تعیین و قائل به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی شده است، اما در جرایم حدود و قصاص، سن ۹ و ۱۵ سال قمری را ملاک قرار داده است. هرچند در ماده ۹۱، قانونگذار رشد عقلی را مد نظر قرار داده و در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال داشته و ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها تصمیم‌گیری مقتضی را با توجه به این قانون پیش‌بینی کرده است. یعنی دادگاه می‌تواند برای تشخیص رشد و کمال عقل به پزشکی قانونی یا هر مرجع دیگری که مصلحت بداند، مراجعه کند (تبصره ماده ۹۱). قانونگذار تلاش کرده است علاوه بر سن، با ملاک قرار دادن «رشد عقلی» راهکاری عملی در اختیار دادگاه و قاضی قرار دهد تا برای کودکان از صدور مجازات‌های منجر به حد یا قصاص خودداری کنند. در ماده ۹۳، توجه به جهات تخفیفی و تقلیل مجازات‌ها یا تبدیل آنها به اقدامات تأمینی و تربیتی نیز پیش‌بینی شده است. همچنین در ماده ۹۴ به دادگاه این اختیار داده شده است که در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. همچنین قانونگذار ایران، محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان را فاقد آثار کیفری دانسته است (ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی).

۳) دیدگاه امام خمینی

بر اساس شریعت اسلامی، اجرای تدابیر اصلاحی و تأدیبی پس از رسیدن به سن تمیز امکانپذیر است و با به کمال رسیدن تمیز که با رسیدن به سن رشد حاصل می‌شود، امکان مجازات کامل به

وجود می‌آید. به نظر فقها کودکانی را که به سن تمیز رسیده‌اند و نسبت به عواقب کارهایی که انجام می‌دهند، آگاهی دارند، می‌توان تأدیب کرد. تأدیب و تنبیه آنان در شرع به عهده اولیای کودک و افرادی که از سوی اولیا اجازه تنبیه دارند، مانند معلمان و در مواردی مانند ضرب و شتم و جراحات عمدی به عهده قاضی گذاشته شده است (طهطاوی ۱۴۳۳: ۳۱۸؛ ابوزهراء ۱۹۹۴: ج ۱: ۶۰۱). تأدیب کودک باید متناسب با شرایط او و بزه ارتكابی باشد. فتوای امام خمینی (۱۳۷۹ ج ۲: ۱۷۸) مبنی بر تأدیب کودک حسب نظر سرپرست او و نظر ابن‌فهد حلی (۱۴۰۷-۱۴۱۳ ج ۵: ۷۴) در نرسیدن تأدیب به مرحله حرج و زیان کودک، نشان دهنده لزوم توجه به تناسب تأدیب با شرایط کودک همانند سن، وضعیت فیزیکی و ادراکی کودک است. بنابراین تأدیب قضایی کودکان نوعی تعزیر است که قاضی برای کمک به اولیا در تربیت کودک انجام می‌دهد. فلسفه تأدیب در اسلام تعلیم و اصلاح اخلاق و سلوک کودک است و هیچ‌گونه جنبه مقابله به مثل و انتقام در آن وجود ندارد. از این‌رو تعزیر و تأدیب آخرین مرحله از مراحل تربیت به حساب می‌آید. بیشتر انحرافات کودکان ناشی از سوء تربیت و بی‌کفایتی اولیا اوست که در این حالت وظیفه حکومت بازگرداندن کودک به شیوه درست زندگی و اصلاح است که باید با ضوابط و شیوه‌های صحیح تربیتی صورت پذیرد. این ضوابط در مواردی تأدیب کودکان را مجاز دانسته‌اند (قطب ۱۴۰۶ ج ۲: ۱۴۴-۱۳۲). بنابراین، عدم مسئولیت کیفری در اطفال به معنای عدم تحمیل مسئولیت تام جزایی یا اعمال مجازات‌های حدی و قصاص است. این سخن بر مبنای وجود مناسبت میان مسئولیت جزایی با ادراک و اراده و اختیار است و با توجه به وجود مراتب ادراک، تمیز و رشد جزایی، ضرورت وجود مراتبی از مسئولیت جزایی قابل انکار نیست. به نظر این فقها، در عدم قطع به بلوغ و وجود شبهه در آن، با استناد به قاعده درء، حدود و قصاص ساقط است (عوده بی تا ج ۱: ۲۱۵). به نظر آنان دلیلی بر اعتبار رشد در قصاص نیست و رسیدن به سن بلوغ شرعی یا ظهور علائم تکوینی بلوغ برای قصاص کافی است (شهید ثانی ۱۴۱۰ ج ۱: ۱۵، ۶۶؛ امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۹۱۲). در استفتایی از امام آمده است:

سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در مسأله‌ها آمده است، منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درء است (گروه استفتای مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی (ره) استفتای مورخ ۷۸/۹/۲۴).

پیش‌بینی امکان سقوط مجازات با استناد به تردید یا شبهه در رشد عقلی مرتکب و تبدیل مجازات‌های سنگین جرایم داخل در صلاحیت دادگاه استان به مجازات‌های تعزیری خفیف‌تر از آن روست که بنای حدود بر تخفیف و احتیاط است و حدود شرعی با کمترین شبهه‌ای ساقط می‌شوند. این که دادگاه در رشد قوای عاقله و قدرت تمیز متهم تردید کند و با تکیه بر چنین تردیدی حکم به سقوط حد کند، از مصادیق قاعده «درء» است.

۴) تحلیل رویکرد قوانین جزایی کشورهای اسلامی و قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)

عرف اعطای مسئولیت کیفری را در صورتی عادلانه می‌انگارد که به صورت تدریجی و بر اساس میزان ادراک و رشد عقلی باشد. مبنا قرار دادن نظر عرف که ارتکاز عقلا را در این امر پذیرفته است، نمی‌تواند غیر شرعی و مخالفت با دین به حساب آید. توجه به عرف عقلا، علاوه بر این مورد در بسیاری از مصادیق و احکام فقهی مورد پذیرش شرع قرار گرفته است. بنای عقلا دارای حجیت ذاتی است. عمل به بنائات عقلایی لازم و ضروری است و بی‌توجهی به آن، موجب اختلال نظام و هرج و مرج یا عسر و حرج می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۳۰). شرع نمی‌تواند مصالح و مفاسد عامه عقلایی را نادیده انگارد و برخلاف آنها نظر دهد. توجه به سیره عقلا در تعیین ظهور ادله و طرد ظهور لغوی و تنقیح مراد جدی متکلم، می‌تواند راهگشا باشد. بیشتر بناهای عقلایی که در زمینه مصالح نوعی جوامع شکل می‌گیرد، مورد تأیید یا دست کم محل سکوت شارع است. علاوه بر اینکه تمسک به احکام حکومتی، می‌تواند در اعتبار بنای عقلا نقش چشمگیری داشته باشد و زمینه پذیرش بخشی از سیره‌ها و بناهای عقلایی را که با برخی از ظواهر شرعی سازگار نیست یا محل اختلاف است، فراهم کند.

باید توجه داشت که آنچه به نظر عقلا در ایجاد مسئولیت کیفری مؤثر است و به عنوان ملاک در اجرای مجازات پذیرفته شده، تشخیص جرم است (مرعی شوشتری ۱۳۷۱: ۵). بر پایه میزان ادراک به طور طبیعی سه مرحله برای هر کس قابل پیش‌بینی است: مرحله عدم مسئولیت، مرحله مسئولیت نسبی و مرحله مسئولیت تام (اردبیلی ۱۳۸۲ ج ۲: ۱۱۲). فرد در مرحله عدم مسئولیت به واسطه فقدان تمیز ناشی از صغر سن، از درک حسن و قبح افعال خویش عاجز است و نمی‌تواند در برابر رفتار و واکنشی کیفری در نظر گرفت. چنین افرادی، نیازمند آموزش شیوه درست زندگی و

برخورد اجتماعی هستند. صبی و مجنون مانند آلت جرم هستند که هیچ گونه مسئولیتی ندارند (نراقی ۱۴۱۷: ۵۲۲). با ورود به مرحله تمیز، واکنش‌های اجتماعی و تربیتی نیز آغاز می‌شود که فرد را برای ورود به مرحله مسئولیت کیفری آماده می‌سازد. تعزیر با ظهور اولین مراتب ادراک و اراده آگاه، ضروری و اجتناب ناپذیر است. البته، اعمال مجازات‌های مشابه با بزرگسالان شایسته نیست، بلکه اتخاذ سیاست‌های تربیتی، تأمینی در جهت تعلیم و تربیت، آموزش‌های اجباری، حبس‌های منطبق با اسلوب علم زندان‌ها و در مراتب بالاتر مجازات‌های کیفری متناسب با ادراک، ضروری به نظر می‌رسد. رفع تکلیف از غیر مقذور، شهادی بر پذیرش مسئولیت نسبی است. در یکی از روایات رسیده از امام باقر(ع) به این امر اشاره شده است.^۱ در این روایت در کنار حدود کامل (مسئولیت تام)، مسئولیت نسبی قرار گرفته است. به این ترتیب فقها اجرای حدود کامل را در مورد صغیر جایز ندانسته‌اند و تنها در صورت ممیز بودن صغیر، تعزیر او را روا دانسته‌اند (مامقانی بی تا: ۴۹۶، ۵۰۲).

مسئولیت کامل کیفری زمانی به وجود می‌آید که تعادل بین عواطف و احساس جوانی ناشی از بلوغ و حال اندیشی و نیز رشد جسمی و رشد عقلی کودک به وجود می‌آید. بنابراین توسل و توجه به اصول علمی روانشناسی، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی در تشخیص آن ضروری است. باید توجه داشت که اعطای زود هنگام مسئولیت کامل کیفری پیش از دستیابی به رشد جسمی و عقلی کامل، از حیطة عدالت خارج است. رسیدن به رشد کامل جسمی پیش از دستیابی به رشد کامل روانی از ویژگی‌های اصلی دوره نوجوانی است (محمد ۱۹۹۴: ۱۵۴). جهانی شدن موجب شباهت بسیار زیادی میان نوجوانان کشورهای مختلف شده است. با این حال هنوز هم تفاوت‌های فرهنگی، همچنان حایز اهمیت است. مرحله نوجوانی تابع شرایط عرفی، جغرافیایی، سطح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر پذیر است (برگر ۱۳۸۸: ۵۵۵؛ محمد ۱۹۹۴: ۱۳۹). از نظر روان‌شناسی، نوجوانان به شدت تابع شرایط محیطی و اجتماعی خود هستند. روان‌شناسی

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخِزَّازِ، عَنْ زَيْدِ الْكُنَّاسِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْحَارِثَةُ إِذَا بَلَغَتْ تِسْعَ سِنِينَ ذَهَبَ عَنْهَا الْيُمُومُ، وَ نُوحِثُ، وَ أُفِيضَتْ عَلَيْهَا الْحُدُودُ النَّائِمَةُ لَهَا وَ عَلَيْهَا، قَالَ قُلْتُ: الْعُلَامُ إِذَا زَوَّجَهُ أَبُوهُ وَ دَخَلَ بِأَهْلِيهِ وَ هُوَ غَيْرُ مُدْرِكٍ أَوْ نُقَامٍ عَلَيْهِ الْحُدُودُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟ قَالَ: أَمَّا الْحُدُودُ الْكَامِلَةُ الَّتِي يُؤْخَذُ بِهَا الرِّجَالُ فَلَا، وَ لَكِنْ يُجْلَدُ فِي الْحُدُودِ كُلِّهَا عَلَى مَبْلَغِ سِنِهِ وَ لَا تَبْطُلُ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ لَا تَبْطُلُ حُدُودُ الْمُسْلِمِينَ بَيْنَهُمْ». (ر.ك. به: حرعاملی ۱۴۱۲ ج ۲۸: ۲۰).

تفاوت‌های جنسی^۱ نیز نشان می‌دهد که در حال حاضر بین زنان و مردان در این زمینه تفاوتی وجود ندارد (منصور ۱۳۸۸: ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۲۹؛ برگر ۱۳۸۸: ۵۰۹؛ سیلانی ۲۰۰۰ ج ۵: ۲۳۴۴-۲۳۴۷؛ ناعمی ۱۳۸۷: ۷۴).

به نظر فقها، تأدیب و تنبیه کودکان با رسیدن آنها به سن تمیز و آغاز ادراک آنها نسبت به عواقب کارهایی که انجام می‌دهند، امکانپذیر است. اجرای تنبیه در شرع به عهده اولیای کودک و افرادی که از سوی اولیا اجازه تنبیه دارند؛ مانند معلمان و در مواردی قاضی گذاشته شده است. تأدیب کودک باید متناسب با شرایط او و جرم ارتكابی باشد. فتوای امام خمینی مبنی بر تأدیب کودک حسب نظر سرپرست او (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۸۷۸) و نظر ابن ادریس حلی در تأدیب او در حدی که موجب حرج و زیان کودک نگردد (ابن فهد حلی ۱۴۰۷ ج ۵: ۷۴)، نشان دهنده لزوم توجه به تناسب تأدیب با شرایط کودک همانند سن، وضعیت فیزیکی و ادراکی کودک است. بنابراین تأدیب قضایی کودکان در حقیقت در راستای کمک به اولیا در تربیت کودک انجام می‌شود. فلسفه تأدیب در اسلام، تعلیم و اصلاح اخلاق و سلوک کودک است و هیچ گونه جنبه مقابله به مثل و انتقام در آن وجود ندارد و آخرین مرحله از مراحل تربیت به حساب می‌آید. بیشتر انحرافات کودکان، ناشی از سوء تربیت و بی‌کفایتی اولیای اوست که در این حالت وظیفه حکومت بازگرداندن کودک به شیوه درست زندگی و اصلاح است که باید با ضوابط و شیوه‌های صحیح تربیتی صورت پذیرد. این ضوابط در مواردی، تأدیب کودکان را مجاز دانسته‌اند (قطب ۱۴۰۶ ج ۲: ۱۳۲-۱۴۴).

تأثیر تغییرات، نیازها و ضروریات جامعه را در احکام فقهی نباید نادیده گرفت. بنا بر نظر مشهور فقهای امامی، بلوغ مبنای انتساب جرم به فاعل است. به تعبیر دقیق‌تر، رشد جسمی و عقلی لازم برای انتساب جرم به فاعل همواره و در تمام زمان‌ها با بلوغ به دست می‌آید. بر این اساس، دختران ۶ سال زودتر از پسران به ادراک کامل دست می‌یابند و بلافاصله عهده‌دار مسئولیت کامل کیفری می‌شوند. بنا بر نظر آنها، تواتر معنوی در بلوغ دختران در ۹ سالگی وجود دارد و این نظر موافق شهرت عملیه است و شهرت، موجب تشخیص حجت از لاجت است. در صورت پذیرش تعارض روایات مبنی بر بلوغ در ۹ سالگی با مضمون موثقه عمار ساباطی (بلوغ در ۱۳ سالگی)، اعراض اصحاب از عمل به این روایت از آن روست که روایات عمار خالی از اضطراب نیست.

1. The Psychology of Sex Differences

البته به نظر این فقها با وجود شبهه در بلوغ، به قاعده درء استناد می‌شود و در نتیجه حدود و قصاص ساقط است. به نظر آنان رسیدن به سن بلوغ شرعی یا ظهور علائم تکوینی بلوغ برای اجرای حدود و قصاص کافی است (ر.ک. به: محقق حلی ۱۴۰۳: ۱۴۰؛ شهید ثانی ۱۴۱۰ ج ۱۰: ۱۵، ۶۶؛ نجفی ۱۴۰۴ ج ۲۶: ۳۹-۳۸؛ مقدس اردبیلی ۱۴۱۲ ج ۹: ۱۸۸؛ امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۱۲). در گذشته با توجه به پیچیده نبودن زندگی و روشن بودن وظایف و مسئولیت‌های بزرگسالی در هر یک از جوامع کوچک انسانی، رسیدن به رشد عقلی همزمان با بلوغ جنسی دور از انتظار نبود. تحوّل ادراکی، همواره ملازم با ظهور حالت زنانگی و حیض در زنان و احتلام در مردان نبود، اما به طور غالب این امور به طور همزمان حاصل می‌شدند، از این رو در احادیث تحقق مسئولیت، همزمان با ظهور هر یک از آنها دانسته شده و بلوغ، امارهٔ رشد و تکامل قوای ادراکی فرد پذیرفته شده است. شاید عبارت‌هایی چون «ان احتلم او حاضت قبل ذلک» و «وان کان لم یحتلم» یا «احتلم ام لم یحتلم» در برخی روایات (ر.ک. به: کلینی ۱۳۶۷ ج ۷: ۶۹) همراه با مطرح ساختن سن خاص، نشان دهندهٔ آن باشد که در برخی مصادیق ممکن است همزمانی میان بلوغ جنسی با ادراک وجود نداشته باشد. همچنین بر اساس برخی از احادیث (ر.ک. به: صدوق ۱۴۰۴ ج ۴: ۵۱؛ شیخ طوسی ۱۳۹۰ ج ۱۰: ۱۵۲)، زمان اقامهٔ حدود علیه دختر و پسر، مقارن با خارج شدن آنان از یتیم و رسیدن به «ادراک» است. آنچه از احادیث استنباط می‌شود، دستیابی به مسئولیت کامل کیفری همزمان با خارج شدن از یتیم و رسیدن به ادراک کامل است.

نمی‌توان تأثیر بلوغ را در ادراک و عهده‌دار شدن تکلیف و استحقاق عقوبت نادیده گرفت و فرد را پس از بلوغ، فاقد مسئولیت کیفری تلقی کرد. شارع مقدس خواهان آن است که تعلیم و تربیت کودکان به گونه‌ای باشد که رشد حداقلی لازم برای قبول مسئولیت‌ها با رسیدن به بلوغ جنسی، حاصل شود. آموزش شیوهٔ درست زندگی تا پیش از رسیدن به سن بلوغ جنسی را می‌توان از آموزه‌های قرآنی دانست (نساء: ۶). در احادیث هم به نوعی خواسته شده که فرد همزمان با رشد و بلوغ کامل جسمی، به مرحله‌ای از بلوغ فکری و توانایی تصمیم‌گیری فردی برسد. با این وجود واقعیت این است که در حال حاضر، حدود دو یا سه سال بعد از بلوغ، ادراک کامل قابل انکار و نقض است. استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان، ساده‌ترین و دقیق‌ترین شیوه برای تعیین زمان رشد کامل عقلی است. در جامعه و اجتماع امروز رسیدن به رشد کیفری برای دختران و پسران این امر به طور یکسان اتفاق می‌افتد. آنها از مسئولیت‌های همانندی در اجتماع برخوردارند و انتظارات

یکسانی از آنها وجود دارد. استناد به ظاهر روایات و پذیرش سن تعیین شده در آنها به عنوان سن رسیدن به ادراک کامل و در نتیجه عهده‌دار شدن مسئولیت کامل نه تنها از زنان حمایت نمی‌کند، بلکه اجماع جهانی با آن مخالف است و جز در ایران، در هیچ یک از کشورهای اسلامی و مذاهب دیگر پذیرفته نشده است. پذیرش تعبدی و توجه نکردن به اصول و مبانی حقوقی درست نیست. احکام، مطلوبات عرضی و امور آلی برای گسترش عدالت هستند و توجه به فلسفه و روح احکام لازم است. در منابع فقهی، همانند قرآن (نحل: ۹؛ حدید: ۲۵) از عدالت به عنوان سلسله علل احکام نام برده شده است و می‌تواند به عنوان یکی از معیارها و مقیاس‌های شناسایی احکام دین مورد استفاده قرار گیرد. تأثیر نیازها و ضروریات جامعه در تغییر مصادیق عدالت بر کسی پوشیده نیست. رعایت عدالت و مساوات و خودداری از بر هم زدن اصل مساوات بدون مجوز عقلی، شرعی و عرفی، از جمله اصول عقلی به شمار می‌روند. نظام مدنی و کیفری هر زمان باید بر پایه نیازهای جوامع آن زمان پایه‌گذاری شود به گونه‌ای که رعایت عدالت و حفظ حقوق افراد به بهترین نحو ممکن در آن سیستم نظام‌مند تأمین گردد. بنابراین رویکرد جدید قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)، هر چند در مواردی قابل خدشه است، نسبت به قانون پیش از آن، با رویکرد کلی کشورهای اسلامی و جامعه جهانی همسوتر و به عدالت نزدیک‌تر است.

نتیجه‌گیری

تشخیص و ادراک جرم به عنوان ملاک اجرای مجازات پذیرفته شده است. رشد ادراکی هر فرد از اموری است که به تدریج حاصل می‌شود. بنابراین مسئولیت‌ها و حقوق نیز باید به میزان تکامل به افراد واگذار شود. این فرض به طور کامل با تمام اصول عقلی و اخلاقی سازگار است و مبنا قرار دادن آن در احکام شرع به هیچ وجه نمی‌تواند غیر شرعی و مخالف با دین به حساب آید. در صورت شک به رشد کامل عقلی، باید حکم به عدم ادراک داد؛ زیرا در احکام جزایی عدم تحقق یا شک در تحقق موضوع، حکم را از درجه اعتبار و فعلیت ساقط می‌کند. عروض شبهه در امور کیفری موجب جریان قاعده درء می‌شود. احتیاط در دماء و نفوس ایجاب می‌کند که در عروض شبهه (شک در وجود رشد عقلی و ادراک جزایی)، احراز رشد کیفری شرط شود. با وجود تردید در رشد ادراکی و استقلال شخصیتی نوجوانان، اجرای مجازات کامل کیفری منتفی

است. علاوه بر اینکه ملاک در اجرای مجازات تشخیص جرم است. این امر در قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) تا حدودی در نظر گرفته شده است.

سنی که یک کشور برای مسئولیت جزایی اطفال تعیین می‌کند، انعکاس دهنده نگرش آن دولت نسبت به کودکی و جرم است. مبنای عمل و تصمیم‌گیری قانونگذاران در کشورهای مختلف، در یک محدوده خاص در نوسان است، به طوری که سن رشد و مسئولیت کامل کیفری از ۱۵ تا ۲۵ سال (بیشتر کشورها ۱۸ سال) است. با وجود تدریجی بودن مجازات در قانون مجازات ایران، سن بلوغ در دختران همچنان نه سالگی است. نگاه فراجنسیتی و دادن تدریجی مسئولیت کیفری و معیار قرار دادن بلوغ عاطفی، روانی و عقلی در میزان مسئولیت کیفری در جوامع انسانی پذیرفته شده و در قوانین و معاهدات بین‌المللی با توجه به خواست جامعه جهانی و پس از بررسی علمی گروهی از زنده‌ترین حقوقدانان و مطابق با آخرین دستاوردهای علوم مرتبط با حقوق، متبلور شده است و این نگاه منافاتی با نظر امام خمینی که مبنای قوانین جزایی ایران است، ندارد. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده که قانونگذار ایران با نگاه فراجنسیتی، تمایزی میان دختران و پسران قائل نگردد و چنانچه گفته شد، این امر منافاتی با دیدگاه فقها ندارد و با واقعیات جامعه و عرف عقلانی نیز مطابقت دارد. علاوه بر این که معیار قانونگذار در تعزیرات سن شمسی است در حالی که در حدود و قصاص سن قمری ملاک قرار گرفته است که بهتر است ملاک قانونگذار در تمام مواد قانون مجازات اسلامی یکسان باشد.

منابع

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق) *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم: چاپ مجتبی عراقی، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بی تا) *المغنی و بیه الشرح الكبير*، بیروت: دارالکتاب.
- ابوزهره، محمد. (۱۹۹۴) *الولاية على النفس*، قاهره: دارالفکر العربی.
- أبو عامر، محمد زکی. *قانون العقوبات اللبناني*، بیروت: دارالجامعیه.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲) *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.

- _____ . (۱۳۸۵) *الرسائل*، قم: مؤسسة اسماعیلیان.
- برگر، کاتلین استاسن. (۱۳۸۸) *روان شناسی رشد کودکان و نوجوانان*، ترجمه و تلخیص اسماعیل سعدی پور (بیابانگرد)، تهران: دوران.
- بوشهری، جعفر. (۱۳۷۹) *حقوق جزا، اصول و مسائل*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق) *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- خطاب رعینی، محمد بن عبدالرحمن. (۱۴۱۶ق) *مواهب الجلیل شرح مختصر خلیل*، بیروت: دارالکتب العلمیة چاپ زکریا عمیرات.
- دردیر، احمد بن محمد. (بی تا) *الشرح الکبیر*، بی جا: دار احیاء الکتب العربیة.
- رباح، غسان. (۱۹۸۷) *الاتجاهات الحدیثة فی قانون العقوبات: دراسة تحليلیة انتقادیة*، بیروت: الدار الجامعیة.
- ربیع، محمد شحاته و جمعه سید یوسف و سید عبدالله معتز. (۱۹۹۵) *علم النفس الجنایی*، دار غربی للطباعة و النشر و التوزیع.
- زلمی، مصطفی ابراهیم. (۱۹۸۳) *المسؤولیة الجنائیة فی الشریعة الاسلامیة: دراسة مقارنة بالقانون*، بغداد: جامعة بغداد.
- سرخسی، شمس الدین. (۱۴۰۶ق) *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه.
- سیلامی، نوربیر. (۱۳۸۰) *المعجم الموسوعي فی علم النفس*، ترجمه و جبه أسعد، دمشق: منشورات وزارة الثقافة فی جمهوریة العربیة السوریة.
- شرادی، عبدالرحمن مصلح. (۲۰۰۲) *انحراف الأحداث فی التشريع المغربي و القانون المقارن*، رباط، (مغرب): مطبعة الامنیة.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق) *الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیة*، قم: انتشارات داوری، چاپ علی اکبر کلانتر.
- شوربجی، بشری. (۱۴۰۵ق) *رعاية الأحداث فی الاسلام و القانون المصری، اسکندریة، مصر: منشأة المعارف*.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۹۰) *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، حقه و علق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- صدوق، محمدبن علی. (۱۴۰۴ق) *من لا یحضره الفقیه*، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، چاپ علی اکبر غفاری.
- صلاحی، جاوید. (۱۳۸۶) *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران: نشر میزان.
- طهطاوی، رفاعه رافع. (۱۴۳۳ق) *المرشد الامین للبنات و البنین*، اسکندریة: مكتبة الاسکندریة.

- عباچی، مریم. (۱۳۸۸) *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- علی، محمد جعفر. (۱۴۰۵ق) *الاحداث المنحرفون (عوامل الانحراف- المسؤولية الجزائية - التدابير)*، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، چاپ اول.
- عمادالدین اسماعیل، محمد. (۱۴۰۹ق) *الطفل من الحمل الى الرشد (الجزء الثاني: الصبي و المراهق)*، کویت: دارالقلم.
- عوده، عبدالقادر. (بی تا) *التشريع الجنائي الاسلامي مقارناً بالقانون الوضعي*، قاهره: مكتبة التراث.
- فوده، عبد الحکم. (۱۹۹۷) *جرائم الأحداث في ضوء الفقه و قضاء التقض: تحليل علمي للقانون الجديد ۱۲ لسنة ۱۹۹۶*، اسکندریه: دارالمطبوعات الجامعية.
- قطب، محمد. (۱۴۰۶ق) *منهج التربية الاسلاميه*، بیروت: دارالشروق.
- کسل، الین و ا. برشتین داگلاس. (۱۳۸۳) *وقفاة جنایی*، ترجمه مرکز تحقیقات و پژوهش های ناجا، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات و پژوهشها.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷) *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ علی اکبر غفاری.
- گیلیان، دوگلاس. (پاییز ۱۳۸۳) «حق کودک بر خطاکاری: مسئولیت کیفری و صغیر بالغ»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، تلخیص و ترجمه نسرین مهرا، شماره ۱۳.
- مامقانی، عبدالله. (بی تا) *مناهج المتقین*، بی جا: بی نا.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ق) *شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام*، طهران: انتشارات استقلال، افست از چاپ بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمد، عوض. (۱۹۹۴) *قانون العقوبات: القسم العام*، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعية.
- مرصاوی، حسن صادق. (۱۹۷۲) *قواعد المسؤولية الجنائية في التشريعات العربية*، قاهره: معهد البحوث و الدراسات العربية.
- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن. (۱۳۷۱) «تحقیقی درباره سن بلوغ»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، شماره ۴.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۲ق) *مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الأذهان*، چاپ مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، چاپ اول.
- منصور، محمود. (۱۳۸۸) *روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- مهرا، نسرین. (پاییز و زمستان ۱۳۸۶) «نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۶.

- ناعمی، علی محمد. (۱۳۸۷) روان‌شناسی نوجوانی و جوانی (تحولات، مسائل، راهبردها)، سبزوار: انتشارات بیهقی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ علی آخوندی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷ق) عوائد الأيام، قم: مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۲) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ هشتم.
- هادی بابکر، مصعب. (بی تا) الأسباب المانعة من المسؤولية الجنائية، عدم الأهلية- السكر- الجنون (دراسة مقارنة)، ترجمه هنری ریاض، مکتبه الهلال.
- هاشمی، سید حسین. (بهار ۱۳۸۳) «دختران: سن رشد و مسئولیت کیفری»، مجله کتاب زنان، شماره ۲۳.
- وینتر، رناته. (بهار و تابستان ۱۳۷۹) «مجازات‌های جایگزین در مورد اطفال بزهکار»، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸.
- یوسف صادر، ادیب. (۱۹۵۴) قانون العقوبات اللبناني، بیروت: بی‌نا.
- Unicef. (1997) innocentDigest, children and Violence No 2.